

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

عرض کردیم کسانی که بین نظر اول و نظر دوم تفصیل دادند، به تعدادی از روایات استدلال کردند و هدف مهم اینها این بوده است که در مسئله وجه و کفین مجموعاً دو دسته روایات داریم، از يك دسته ی از روایات استفاده جواز می شود و از دسته دیگر روایات استفاده حرمت می شود.

چگونگی جمع بین دو طایفه از روایات

بعد از آن تفصیل بین نگاه اول و نگاه دوم، يك وجه جمع بین این دو طایفه از روایات را به این صورت بگوییم که آن روایاتی که دلالت دارد بر اینکه وجه و کفین ابدایش جایز هست یعنی برای نظر اول جایز است. آنهایی که می گویند ابداء وجه و کفین جایز نیست و یا نگاه به او جایز نیست مربوط به نظر دوم به بعد است، که جمع بین این دو طایفه از روایات يك چنین اقتضاء را بکند.

ما عرض کردیم که اولاً بر حسب مبنای مشهور این روایات از نظر سند ارسال دارد و چندان قابل اعتماد نیست. اما در فرضی که ما قائل بشویم بگوییم این روایات از نظر سند هم صحیح است؛ ما ابتدا باید درست روشن بکنیم که مراد از نظر اول و نظر دوم چیست؟

بیان کردیم که ظاهر عرفی این روایات و این تعبیر این است که نظر اول یعنی نظر غیر اختیاری، نظر اتفاقی و نظر دوم یعنی نظر اختیاری و عمدی .

کلام مرحوم آقای حکیم

مرحوم آقای حکیم (قدس سره) در کتاب مستمسک^[1] علاوه بر اینکه این روایات را رمی به ضعف سند فرموده اند بیان کردند که: بگوییم مراد از نظر اول، نظر من دون ریبۃ هست. و نظر دوم نظر مع ریبۃ هست. و بیان می کنند این که در روایات آمده که نظر سوم درش هلاکت است قرینه بر این معنای ما می شود.

وقتی نظر اول من بدون ریبۃ است، نظر دوم مع ریبۃ و تلذذ هست، نظر سوم به بعد دیگر مقدمه برای وقوع در اصل حرام می شود. ظاهر روایت این است که روایت می گوید اگر مردی به زن نا محرم نگاه کرد، بعد مجدداً بخواهد نگاه بکند حالا بعنوان

ریبه باشد یا نباشد این را منجر به نظر سوم و هلاکت و حرام منجر می‌کند.

طبع قضیه این است که مردی که به زن يك بار نگاه کرد اگر بار دوم نگاه کرد او را می‌اندازد در حرام، یعنی می‌اندازد در نظر سوم می‌خواهد دومی اش برای ریبه باشد می‌خواهد نباشد.

اشکال حضرت استاد به فرمایش مرحوم حکیم (ره)

اشکال این است که شما می‌فرمایید نظر اول من دون ریبه. من دون ریبه پس لازمه‌اش این است که عمداً به موی زن به بدن زن اگر ما روایت را اینطوری معنا بکنیم (این ندارد النظر الى وجه المرأة یا کفین مرأة) می‌گوید نظر اول و نظر اول اطلاق دارد. اطلاقش تمام اعضای بدن را می‌گیرد، مورا می‌گیرد گردن و سینه را هم می‌گیرد. اگر بگوییم روایت می‌گوید نظر اول نظر اختیاری است پس معنایش این است که نظر اختیاری به بقیه اعضای بدن زن بعنوان نظر اول عیبی ندارد؛ ولو بگوییم من دون ریبه، در حالی که اجماع و ضرورت هست من دون ریبه نظر به موی زن حرام است، من ریبه نظر به بدن زن حرام است، لذا نمی‌توانیم اینطور معنا کنیم؛ باید نظر اول را بمعنای غیر اختیاری بگیریم.

مرحوم آقای خوئی (قدس سره) ایشان هم همینطور فرمودند، نظر اول را می‌فرمایند غیر اختیاری است، همین که عرف می‌گوید نظرم افتاد.

دیروز عرض کردم اینکه می‌گوییم «لك» یعنی این که واقع شده است چیزی برای نیست، گناهی برای تو نیست حالا به هر قسمتی از اعضای زن هم بخواهد باشد، حتی اگر نظر غیر اختیاری به يك زن عریان هم واقع شد چون غیر اختیاری است، النظرة الاولى لك شاملش می‌شود.

اگر کلام مرحوم آقای حکیم را بخواهیم بگوییم یعنی نظر من دون ریبه می‌گوییم پس من دون ریبه به تمام اعضاء بدن زن باید جایز باشد در حالی که جایز نیست. حالا مجموعاً از آیه شریفه ما استفاده کردیم که ابداء وجه و کفین جایز است و نظر مرد به وجه و کفین زن هم اشکالی ندارد. حالا شما بفرمایید آیه ندارد که نظر بدون ریبه باشد یا تلذذ.

اولاً فرق بین ریبه و تلذذ چیست؟ ریبه خوف وقوع در حرام است، اگر نظر به ریبه باشد، ریبه یعنی خوف وقوع در حرام. اما تلذذ آنجا هم يك بحث وجود دارد که آیا عنوان قصدی است؛ یعنی نگاه بکند به يك زنی، به قصد تلذذ به قصد این که از او لذت ببرد یا اینکه وقوع تلذذ در عالم خارج مراد است که دو مبنا وجود دارد.

برخی مثل مرحوم شیخ انصاری(ره) فرموده‌اند مراد قصد تلذذ است، فقهای که مثل مرحوم شیخ ابداء وجه و کفین را جایز می‌دانند و نظر اجنبی به وجه و کفین را جایز می‌دانند همه مقید کردند به این که ریبه (خوف وقوع در حرام) در کار نباشد، تلذذ حالا یا قصد تلذذ یا تلذذ بالفعل هم نباشد؛ اینجا چند بحث وجود دارد، اولین بحث این است که آیه شریفه اطلاق دارد، آیه شریفه می‌گوید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» اعم از این که مع ریبه باشد، خوف وقوع در حرام داشته باشد یا نداشته باشد، قصد تلذذ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا چه باید بگوییم؟ آیا بگوییم آیه اطلاق دارد آیه بگوید که برای زن ابداء وجه و کفین جایز است مطلقاً!

یا می‌گوییم نه، مقید می‌شود به آنجایی که قید به تلذذی در کار نباشد، يك احتمال این است که این برای زن مطلقاً است.

زن وجه و کفینش را ابداء می‌کند، حالا مردی که دارد نگاه می‌کند می‌خواهد ریبه و تلذذ داشته باشد می‌خواهد نداشته باشد، و

وجه این احتمال این است که شارع برای زن اجازه داده است که این مقدار را ابداء بکن، کما اینکه بعداً که برسیم به «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ...» زن برای محارم خودش موی سر خودش را می‌تواند باز نگهدارد برای محارم، حالا برای زن ابداء شعر جایز است حالا می‌خواهد محرم که بچه او هست، دایی او هست، عموی او هست، پدر شوهر او هست، برادرهای او هست همه این 12 گروهی که در آیه آمده است، می‌خواهد آنها باشهوت نگاه بکنند یا بدون شهوت، اینجا زن مسئولیتی ندارد؛ اگر مرد مع ربه و تلذذ نگاه بکند حرام است اما برای او ابدایش مطلقاً جایز است.

احتمال دوم این است که بگوییم نه، از اول که شارع ابداء وجه و کفین را برای زن جایز کرده مقید است به آنجایی که ربه و تلذذ در کار نباشد، اگر دید کسی با ربه دارد نگاه می‌کند باید بپوشاند، اگر دید کسی قصد تلذذ دارد این باید بپوشاند.

دیدگاه مرحوم صاحب جواهر

اینجا يك مطلبی در کلمات صاحب جواهر (ره) است، چون صاحب جواهر از کسانی است که قائل به این است که ابداء وجه و کفین حرام است از قائلین به حرمت است.

در مقابل، کسانی که می‌گویند ابداء وجه و کفین جایز است الا آنجایی که لذت و ربه باشد یکی از حرفهای که صاحب جواهر دارد این است که فرموده این لازمه‌اش حمل مطلق بر فرد نادر است.

به چه بیان؟ آیه اطلاق دارد، آیه می‌فرماید: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ما ظهر وجه و کفین را شامل می‌شود، اگر شماها که قائل هستید به این که ابداء جایز است می‌آیید مقید می‌کنید بصورت عدم ربه و عدم تلذذ؛ ایشان می‌گویند که در زنها غالباً نظرهای اجنبی به زنها مع تلذذ و مع ربه است، حالا تلذذ هم نباشد خوف وقوع در حرام هست. حالا (برای توضیح اضافه می‌کنم) يك آدم خیلی متدین با تقوا از نگاه لذت نمی‌برد، اما احتمال وقوع در حرامش می‌دهد، اگر این چنین شد پس دیگر ما موردی نداریم برای ابداء وجه و کفین؛ وقتی غالب موارد تلذذ یا ربه هست شما بخواهید این «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ی در آیه را حمل کنید بر آنجایی که تلذذ نیست بر آنجایی که ربه نیست، این میشود حمل مطلق بر فرد نادر.

خلط مطلب در بیان صاحب جواهر (ره)

به نظر می‌رسد اینجا يك خلطی واقع شده است و آن خلط این است که ما اطلاق را نسبت به زن وقتی داریم بررسی می‌کنیم با بررسی اطلاق نسبت به مرد بین شان تفاوت وجود دارد، اگر شارع بفرماید: زن وجه و کفینش را ابداء جایز است ابداء بکند الا در آنجایی که مرد تلذذ و ربه دارد، اینجا می‌گوییم لازمه‌اش این است که آنچه که باقی می‌ماند فرد نادری باشد، چون غالباً تلذذ و ربه هست پس آنی که باقی می‌ماند فرد نادری است و این اشکال صاحب جواهر مطرح می‌شود.

در حالی که ما عرض کردیم ما از آیه استفاده می‌کنیم زن ابداء بکند وجه و کفین خودش را مطلقاً یعنی این را ما تقید نمی‌زنیم یعنی این که ما بباییم بگوییم مع الریبة و تلذذ یا من دون ریبة و تلذذ، به زن چه ارتباطی دارد؟ شارع برای زن اجازه داد است ابداء وجه و کفین بکند، ابداء می‌کند.

کما اینکه برای محارم می‌توانند موی خودشان را ابداء بکنند، حالا اگر يك زنی (نعوذ بالله) برادر او از نگاه به موی او لذت برد به زن چه ارتباطی دارد! حالا از آن طرف قضیه یعنی اگر ما بگوییم مرد می‌تواند نظر بکند الا در آنجایی که لذت و ربه هست. به صاحب جواهر عرض می‌کنیم اینجا باید بفرمایید فرد نادر و فرد غالب کدام است! مرد اجنبی نظر بکند به زن اجنبیه جایز است. چون تا اینجا به این نتیجه رسیدیم همانطوری که بر زن ابدایش جایز است، بر مرد هم نظر کردن به وجه و کفین جایز

است.

می‌گوییم بر مرد نظر کردن جایز است الا آنجایی که لذت و ریهه باشد، آیا در اینجا می‌توانیم بگوییم از این طرف قضیه حمل مطلق بر فرد نادر می‌شود؟ اینجا می‌گوییم از اول نظر مرد به زن مقید به این است که ریهه نباشد، دلیل ما چیست؟ اصلاً يك روایت خاصی یا يك آیه‌ای خاصی هم نداریم، اگر کسی بپرسد آقا شما عدم ریهه و تلذذ را از کجا آوردید؟

می‌گوییم دلیلش اجماع و ارتکاز متشرعه است، اجماع علماء و ارتکاز متشرعه بر این است که اگر مرد به زن به نظر ریهه یا تلذذ نگاه نکند حرام است؛ نکته ی دیگری که در کلام مرحوم آقای حکیم در مستمسک وجود دارد، این است که تلذذ دو نوع است یکی تلذذ طبیعی است، کسی فرض کنید زنی را می‌بیند این می‌فهمد شعور دارد که این زن زیباست، این زن خوش قیافه است، این جمال دارد، این يك نوع تلذذ است، همانطوری که انسان به مناظر زیبای طبیعت که نگاه می‌کند از این زیبایی يك لذت عقلانی می‌برد، اما این تلذذی که اینجا مورد نهی واقع شده است لذت شهوانی است، شما ببینید!

يك حيوان مثلاً يك بره، یا يك آهوی خیلی زیبا از زیبایی این آهو، یا يك نقاشی انسان می‌گوید این مخلوق خداست خیلی هم زیباست این را که نمی‌شود کسی منع بکند اگر اینطور باشد، اصلاً دیگر ما نظر من غیر لذت مصداق پیدا نمی‌کند آن زنی که زیباست اگر بگوییم آقا همین که تو می‌فهمی این زیباست این لذت است، این که لذت نیست، لذتی که در اینجا مورد نهی واقع شده لذتی است که به تعبیر مرحوم آقای حکیم لذت شهوانی است، لذت حیوانی است. یعنی همان تلذذی را که مرد در رابطه با همسر خودش دارد همان را تصویر و تخیل بکند نسبت به اجنبیه، مراد این است.

حالا همین را چه دلیل داریم بر اینکه جایز نیست؟ اجماع و ارتکاز متشرعه.

از اول ارتکاز متشرعه بر این است که آقا مردی می‌خواهد نظر بکند به زن باید ریهه یا تلذذ در کار نباشد، اما این چه ربطی به ابداء وجه و کفین زن دارد؟ ما نمی‌توانیم بگوییم آقا اگر گفتیم زن وجه و کفینش را ابداء بکند این حمل مطلق بر فرد نادر است؛ نه زن ابداء می‌کند مطلقاً اصلاً آنجا را نمی‌آییم قید بزنیم، چه کسی گفته آنجا را باید قید زد؟

این را خواستم عرض کنم که وقتی آدم در کلمات می‌بیند این دو مطلب با یکدیگر خلط شده است؛ به نظر ما ابداء وجه و کفین برای زن مطلقاً جایز است، دیگری که دارد نظر می‌کند می‌خواهد به ریهه نظر بکند، یا می‌خواهد من غیر ریهه.

در یکی از جلسات قبل بحثی را عرض کردم که از راه اعانت بر اثم ممکن است وارد بشویم اما خود آیه از حیث ابداء وجه و کفین اشکالی ندارد، آنی که تقید دارد این است که مرد اگر بخواهد نظر بکند باید من دون ریهه و تلذذ باشد.

عبارت عروه چنین است: «لا يجوز النظر الى الاجنبية و لا للمرأة النظر الى الاجنبی» بحث نظر به اجنبیه است.

سید می‌گوید «لا يجوز من غير ضرورة و استثنی جماعة الوجه و الکفین فقالوا من جواز فیهما مع عدم ریهه و التلذذ» یعنی نظر مرد نباید به ریهه و تلذذ باشد اما زن می‌تواند وجه و کفینش را ابداء بکند این مطلقاً اشکالی ندارد.

آن موردی که زن خودش را از نظر زینت ظاهری آرایش بکند وجه و کفینش را بحثش را کردیم، این را در بحث‌های قبلی مراجعه بفرمایید. و دوم این که خود وجه و کفین من دون تزین ظاهری، خلقت طبیعی اش آیا این مقید است به این است که در نگاه دیگری لذت و ریهه‌ای در کار باشد یا نه؟ گفتیم از طرف زن قیدی وجود ندارد، زن می‌تواند ابداء وجه و کفین بکند، حالا دیگری می‌خواهد لذت ببرد می‌خواهد نبرد، اما مرد حق نظر کردن مع لذت و ریهه را ندارد.

مرحوم نراقي و مرحوم شيخ انصاری كه هردو بزرگوار از قائلين به جواز ابداء وجه و كفین هستند.
چون این مسئله مورد ابتلاء است مناسب است يك مقدار اطرافش بیشتر هم بحث بشود و بعضی از روایاتش هم ذكر بشود.
وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] مستمسك عروة الوثقی جلد 13، ص 31.